



## ارزیابی عمادالدین باقی از چگونگی شکل گیری انسجام ملی در دل جنگ

# حاکمیت باید قدر مردم را بیشتر بداند

## ملت ریشه دار تحقیر نمی پذیرد

### گزارش

عمادالدین باقی با اشاره به مدیریت قابل دفاع دولت در جنگ ۴۰ روزه تأکید دارد که قشرهای مختلف مردمی با حضور مرئی و نامرئی خود در صحنه نقشه دشمن را نقش بر آب کردند و حالا حاکمیت باید قدر این مردم را بیشتر بداند.

این حقوقدان در تحلیل چرایی و چگونگی شکل گیری «انسجام ملی» در ایران و راه‌های حفظ و تقویت آن به «ایرنا» گفت: «حضور مردم و شکل داشتن بخشی از «انسجام ملی» یا «ایرنا» بخشی با «حضور نامرئی» یا «عدم حضور فیزیکی» خود، پروژه دشمن را نقش بر آب کردند. اگر قشر خاکستری، حضور فیزیکی دلخواه دشمن را پیدا می کرد، معادلات

دیگری رقم می خورد. این جمعیت خاکستری بر اساس آرای انتخاباتی، تعیین کننده‌تر و بزرگ‌تر هستند. تنها راه تبدیل این دو نوع حضور به یک نقش پایدار به سود ایران، تداوم آن در قالب اصل شهروندمداری و ملی‌گرایی است در واقع همه باید احساس مالکیت و ذی‌نفع بودن کنند چنانکه در جنگ نیز، چون پای ایران به میان آمد که همه آن را خانه خود می‌دانند، رفتار متفاوتی پیشه کردند.

### ملت ریشه دار تحقیر پذیر نیست

باقی در ارزیابی خود از علت خطای محاسباتی دشمن نسبت به وجود برخی نارضایتی‌ها در ایران و پیش‌بینی شورش اجتماعی علیه حاکمیت بعد از حمله، افزود: «شکاف‌های اجتماعی، واقعی و محاسباتی آمریکا و اسرائیل و ملی

فهرستی از این گسل‌ها، به طور مکرر گفتم و نوشتیم که اگر ترمیم نشوند از یک مسأله اجتماعی به یک معضل امنیتی بدل می‌شوند ولی اینها ترمیم نشد و دشمن روی آن حساب کرد اما از چند نکته غفلت کرد.»

این فعال سیاسی ادامه داد: «یکی اینکه ایران دارای تمدن و تاریخ است و تاریخ هر ملتی هویت‌ساز آن است. یک ملت ریشه‌دار تحقیر را بر نمی‌تابد، دقیقاً چیزی که ترامپ قادر به فهم آن نیست و مدام با روش تحقیر با مردم ایران صحبت کرد. همین الان اگر یک مجرمی در خیابان تحقیر شود مردم عادی واکنش نشان می‌دهند و در جریان رفتار زشت مجرم‌گردانی در گذشته نمونه واکنش‌ها را شاهد بودیم.»

این حقوقدان با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل دربرابر منجاوران، محاسباتی آمریکا و اسرائیل و ملی

### میناب حلقه اول جنایت علیه ملت بود

وی با اشاره به تخریب برخی زیرساخت‌های کشور در جنگ اخیر و تأثیر آن بر افکار عمومی گفت: «زمانی که ترامپ جلوی چشم جهانیان رسماً اعلام کرد پل‌ها و نیروگاه‌ها و پتروشیمی را بمباران می‌کنیم و اسرائیل هم خطوط ریلی را به آن افزود دیگر برای هیچ کس تردیدی نماند که میناب فقط حلقه اول جنایت علیه مردم بود. حرف‌های ترامپ در حالی بود که در اسناد بین‌المللی صراحتاً حمله به تأسیسات مدنی و عام‌المنفعه ممنوع شده است، خصوصاً که از پل و تأسیسات آب و برق و بیمارستان نام برده شده است. عجیب اینکه از قدیم این قواعد وجود داشت و در مقررات جنگی اسلامی هم آسیب رساندن به تأسیسات مدنی و عمومی و خانه‌ها و حتی درختان ممنوع شده است.»

### اقدامات دولت و رفتار مردم مکمل تاب‌آوری شد

باقی در پاسخ این پرسش که یکی از مؤلفه‌های تاب‌آوری مردم در ایام جنگ، تأمین معیشت مردم و کنترل شرایط اقتصادی کشور از سوی دولت بود، این مسأله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ گفت: «مسئولان کشور پیش‌بینی جنگ را کرده بودند به همین دلیل سیلوهای ذخیره سه ماهه را که همواره برای شرایط اضطراری وجود دارد، تبدیل به ذخیره ۶ ماهه کردند و این اقدام مهمی بود. حضور مسئولین در میدان و تأمین معاش مردم در تاب‌آوری آنها مؤثر بود، اینکه بیش از ۸۰ درصد مواد خوراکی، تولید داخل است نیز فاکتور مهمی است اما درد و شعور خود مردم، مؤثرتر از همه این موارد بود. رفتار مردم باید زیر ذره‌بین می‌رفت تا ببینید چقدر خود آنها مؤثر بودند. این تحلیلگر سیاسی در تحلیل رفتار هوشمندانه مردم در زمان جنگ اظهار کرد: «از چند هفته قبل در شبکه‌های اجتماعی پیام‌هایی در تیراز میلیونی دست به دست می‌شد که آموزش می‌دادند مردم برای شرایط جنگی آب و غذا و وسایل مختلف ذخیره کنند و عده‌ای تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و ملی را عمل، اقلیتی از مردم رفتار

نامتعارف داشتند. در ساعت اول حمله، ساعت ۱۰ صبح به بعد بود که دیدم نانوایی‌ها شلوغ شد ولی از فردای آن روز دیگر چنین خبری نبود. من روز اول رفتم نانوایی دیدم رفتارها عادی است، صف شلوغ شد ولی خریدها متعارف بود، به میدان تره بار رفتم باز هم رفتار عادی ندیدم.»

مردم می‌فهمند اگر همه مراعات کنند کالا برای همه می‌ماند اما اگر حریص شوند برای همه نمی‌ماند. حتی ترکیه اردوگاهی برای سیل مهاجران و آوارگان ایرانی آماده کرده بود ولی نه تنها هیچ آوارهای نداشتیم بلکه دیدیم و شنیدیم افرادی به ایران برای کمک به هموطنان و دفاع از ایران بازگشتند.

### همه شهروندان را به یک چشم ببینیم

باقی در پایان با تأکید بر اینکه جغرافیای ایران یکی از بزرگ‌ترین مؤلفه‌های قدرت ایرانیان و نعمت بزرگی است، تصریح کرد: «۳۱ استان ایران مانند ۳۱ کشور است و موج مهاجرت در داخل این مجموعه جابه‌جا می‌شود. در زمان جنگ از شهرهای مختلف تماس می‌گرفتند و از ساکنان مناطق مورد حمله دعوت می‌کردند. بعضی استان‌های ایران به تنهایی از بعضی کشورهای اروپایی بزرگتر هستند، زاین‌کمز از یک چهارم ایران است. طمع قدرت‌ها به ایران و تلاش‌های نام‌کام برای فروپاشی آن بی‌ذلیل نیست. این حکومت است که باید قدر این سرمایه را بداند و با رفتار کاملاً حقوقی و با شهروندمداری، همه ایرانیان را به یک چشم نگرداند تا انسجام ایران را تضمین کند. بنابراین با تقدیر از مدیریت اجرایی کشور در تأمین معاش مردم باید قدران جغرافیای ایران بود و بیش از همه از خود مردم و تاب‌آوری و شعورشان تقدیر کرد.»



### تحلیل

حول هر پدیده و رویداد جمعی یا بین‌المللی، پرسش‌های متعددی شکل می‌گیرد که به نسبت ارتباطی که با سطح یا عمق آن پدیده دارند، اهمیت می‌یابند. بی‌تردید جنگی که آمریکا و رژیم اسرائیل در اسفند ماه سال گذشته علیه ایران راه انداختند، تبدیل به یکی از پرسش‌برانگیزترین و تعیین‌کننده‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر منطقه غرب آسیا و جهان خواهد شد و به اذعان پژوهشگران تاریخ، روابط بین‌الملل و علوم استراتژیک، همان‌طور که جغرافیای سیاسی منطقه و جهان و بسیاری از معادلات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بعد از این جنگ تغییر خواهد کرد، طیف متنوعی از ارزش‌ها و چهارچوب‌های نظری و علمی نیز دستخوش تغییر خواهد شد. منتها درک این تحول، زمانی مقدور خواهد بود که نسبت به خاستگاه‌های پیشینی آن التفات داشته باشیم؛ به تعبیر روش‌نویس، باید بدانیم که تحول در چهارچوب‌های نظری و روندهای علمی، زمانی معنادار است که به نحو پیشینی، اصول معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن رادک و ملاحظه کنیم.

پیش از تصمیم این جدال، بهتر است این مقدمه را متذکر شد که اغراق ترامپ نوشت: «او به حلقه‌ای از مشاوران داخلی خود متکی است که برای حمایت از تصمیمات او تحقیق آنها در شغل خود هستند. به نظرم می‌رسد که گفتن حقیقت بود که صاحبان قدرت، در شرح وظایف آنها نیست. تکیه بر غرایز رئیس‌جمهوری به جای مجموعه‌ای از برنامه‌های آژموه و سنجیده شده، جنگیدن را دشوارتر می‌کند.» نخستین موقف فلسفی پیرامون این جنگ، تأمل در بنیادهای معرفت‌شناسانه آن است: جدال میان هوش غریزی انسان غربی با خرد تاریخی ایرانی.

پیش از تصمیم این جدال، بهتر است این مقدمه را متذکر شد که اغراق ترامپ نوشت: «او به حلقه‌ای از مشاوران داخلی خود متکی است که برای حمایت از تصمیمات او تحقیق آنها در شغل خود هستند. به نظرم می‌رسد که گفتن حقیقت بود که صاحبان قدرت، در شرح وظایف آنها نیست. تکیه بر غرایز رئیس‌جمهوری به جای مجموعه‌ای از برنامه‌های آژموه و سنجیده شده، جنگیدن را دشوارتر می‌کند.» نخستین موقف فلسفی پیرامون این جنگ، تأمل در بنیادهای معرفت‌شناسانه آن است: جدال میان هوش غریزی انسان غربی با خرد تاریخی ایرانی.

### یادداشت



### سیدمحمد مهدی غمائی

معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری

## تأملی سیاسی و حقوقی درباره اتحادشکنی

تا اینجا کار مجموع نتایج جنگ تحمیلی رمضان، ناگامی منجاوران جنایتکار و اقتدار ملت بزرگ و ملت باشد، تفرقه و تروریسم رسانه‌ای است و دشمن نیز که در رسیدن به اهدافش کاملاً شکست خورده، سعی می‌کند از آن حداکثر استفاده را به عمل آورد. استفاده حداکثری دشمن از تروریسم رسانه‌ای به این دلیل است که در این جنگ نه توانست به هدف خود مبتنی بر تغییر نظام سیاسی دست یابد، نه نقشه ایران و نه به اورانوم‌ها دست پیدا کند. در عین اینکه این تجاوز دشمن باعث بسته شدن تنگه هرمز شده که قبلاً باز بود، به همین دلایل است که دشمن به دنبال خدشه در وحدت و امنیت ملی ایران استوار و مقاوم از طریق عملیات رسانه‌ای است.

در چنين شرایطی، اظهارات هر کسی که نشان‌دهنده وجود تفرقه و دودستگی در کشور باشد، چه آنکه روایتی نامگون از واقعیت‌ها را بسازد و چه همراه رسانه‌های تروریستی ادعاهایی را برای تأمیدی وجود نظرات متعارض در میان تصمیم‌گیران القا کند، خیانت به کشور در حال جنگ است و تبعید نیست، تاکنتی همانند فریب جنگ تروا باشد تا ملت پیروز را با نفوذ و خطر درون‌پاشی مواجه کنند.

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب در پیام رسانه‌ای خود تأکید داشتند: «در اثر عیب وحدت بین هموطنان، در دشمن شکستگی به وجود آمده است. با شکر عملی این نعمت، انسجام بیشتر و پولادین‌تر شده و دشمنان خوار و خفیف‌تر خواهند شد. عملیات رسانه‌ای دشمن با نشانه‌گیری ذهن و روان مردم، قصد خدشه در وحدت و امنیت ملی دارد؛ مبادا با سهل‌انگاری ما این قصد شوم محقق شود.»

حسب این پیام که به اقدامات رسانه‌های تروریستی با استفاده از تکنیک‌های اخبار جعلی اشاره دارد، بلافاصله رؤسای قوا و بسیاری از مقامات و نهاد‌های حکمرانی یک پیام متحدالشکل را منتشر کردند: «ایران ما تندرو و میان‌رو و مانع وجود ندارد؛ همه ما «ایرانی» و «اقلیتی» هستیم و با اتحاد آهنین ملت و دولت، با تبعیت کامل از رهبر معظم انقلاب، منجاور جنایتکار را پشتیبان خواهیم کرد. یک خدا، یک رهبر، یک ملت، و یک راه! آن هم راه پیروزی ایران عزیزتر از جان.»

این سلسله پیام‌های یکسان مبین ضرورت وحدت در این شرایط است و اینکه نباید به اخبار کذبی که این روزها از سوی برخی نخبگان و رسانه‌ها نیز بازنشر داده می‌شود توجه کرد، اخباری که بعضاً دلالت بر افتراق و فقدان همراهی برخی مسئولان در اداره کشور یا در جریان مذاکرات، یا اعلام استعفا و رفتارهای خودسرانه دارد. برخی با استناد به گزارش‌های فرضی مذاکرات دور اول اسلام‌آباد، ادعای انحراف از دستورکار ۱۰ ماده‌ای مذاکراتی ایران را مطرح می‌کنند که این هم اعلام کذب است زیرا همه مذاکره‌کنندگان با انسجام و هماهنگی کامل، برای پیگیری طرح ۱۰ ماده‌ای ایران حاضر بودند و مدعیان خلاف، بر اساس برداشت‌های شخصی و در اطلاعات موقتی، به دنبال همان تروریسم رسانه‌ای و برهم زدن امنیت روانی مردم به عنوان یک رکن حقوق عامه هستند که البته در کشور برای مقابله با چنین وضعیتی، نظام تقنینی متناسب وجود ندارد و باید با فوریت به آن توجه کرد.

با وجود این، ذیل وصف مجرمانه «تشویش اذهان عمومی» مندرج در مواد ۶۹۸ و ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی باید اعلام جرم شود و دادستان نیز مستند به مواد ۲۲ و ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری موظف به پیگیری است، چراکه وحدت امروز کشور منفعت و مصلحت ملی است و هر کسی که به هر طریق به آن خدشه‌ای وارد کند حتماً مرتکب خیانتی بزرگ و ناخوشودنی شده است. البته این مهم، باید از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات نیز مورد رصد جدی قرار گیرد، چراکه اظهارات تفرقه‌آمیز صادق بندهای ۴ و ۸ و ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات است.

**آگهی**  
**مناقصه عمومی**

**شرکت مایلبل سایبا در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط به منظور انجام عملیات حمل و نقل درون و بیرون شهری محصولات تولیدی از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۲/۱۵ در ساعات اداری به منظور تهیه اسناد مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر به محل شرکت واقع در کیلومتر ۱۵/۵ جاده مخصوص کرج، روبه‌روی شرکت سایبا مراجعه نمایند.**

**هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.**

**تلفن واحد امور پیمانکاران: ۰۱۶۱-۴۴۱۸۰۸۴-۰۹۳۹۰۵۱۱**

و اختلال محاسباتی، شناخت نکون می‌یابد و سایر اقوام و جوامع انسانی که فاقد دولتند هستند، اساساً فاقد تاریخ نقلی می‌شوند. که در این موضع هم در مقابل هوش غریزی ترامپیستی قرار دارد، و وارونه‌نمایی و اقیقات، تکرر ناسنجیده‌گویی، غرور کاذب، دروغ و خودفریبی و دیگر فریبی و ...

### عقل دگر یافته ایم

در مقابل این هوش غریزی شخصی، عقل تاریخی ایرانی یا به تعبیر سهروردی «خمیره خسروانی» قرار دارد که حکمت ملکان و خسروان است. این خرد به لحاظ هستی‌شناسی، خرد نور، روشنایی و اخراقی است و سهروردی سرچشمه تاریخی آن را به زرتشت و جامشبه و فرشادشور می‌رساند که بعد از ظهور اسلام نیز زنجیره حکمای اشرافی تداوم داشته است. عقیده بنیادین فیلسوفان مذکور بر این است که زمین از حکمای الهی که نمایندگان «خود خرد» هستند، خالی نخواهد ماند. قلمرو این خرد در مشرق عالم است که محل طلوع روشنایی است و «شرق» و «غرب» نیز در این خرد، چرخ‌چوب، نه لزوماً به معنای جهات جغرافیایی بلکه به معنای مشرق و مغرب متافیزیکی است.

خرد خسروانی نه در پی کثرت مایهات ظلماتی، بلکه در جست‌وجوی وحدت وجود نورانی است و نور را در قلب هستی‌شناسی خود قرار داده است. نور ذاتاً یکتا و دارای مراتب مختلف است و کثرت عالم ذیل این مراتب مدرج، معنا می‌یابد. سلسله مراتب عالم به‌عین مندرج در نظم کوچک‌تری به نام انسان هستند؛ به تعبیر دیگر، بر حسب حکمت ایرانی، تبار انسانی آینه نظم کیهانی است و بر همین اساس هم فلسفه عملی و سیاسی ایرانی شکل می‌گیرد. خرد عملی ایرانی منادی یکتاپرستی است، ثبات‌طلب است، اعتدال‌خواه و افراط‌گریز است، فضالتی مانند شجاعت و سلحشوری را تحسین می‌کند و تعین بخش سلسله‌مراتب سیاسی و دولت‌مندی و دیوان‌سالاری تاریخی ایرانیان است. اساساً اقتاب یا‌تقاهم/ عقل جهان یک‌شتری و عقل نهانی دوشری ...

## «ایران» ابعاد معرفت‌شناسی جنگ رمضان را بررسی می‌کند

# تقابل عقل تاریخی ایرانی و هوش غریزی آمریکایی

### تحلیل

### امیرفرشاد

روزنامه‌نگار



پروستاتی-صهیونی فلسفه اخلاق مرکانتیلیستی و پوپولیسم راست‌گرا و فن‌سالاری الیگارشی مابانه ... و برمی‌خوریم که هر یک علامتی از زوال فرهنگی و تاریخی جهان غرب هستند.

به هر تقدیر، تمام نشانه‌های موجود در متن و فرامتن این جنگ، دلالت بر سیطره عقلی غیر از عقل سلیم و سنجشگر دارند: پیش از جنگ، اغلب اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی شروع جنگ را رویدادی غیرعقلانی تلقی می‌کردند و در حال حاضر نیز تداوم آن را به هیچ وجه مطابق با میل و همدگذاری غریزی - و نه استراتژیک - ترامپ نمی‌دانند و پایان مطلوبی هم برایش متصور نیستند. ممکن است گفته شود آغاز و پایان جنگ علیه ایران وابسته به فشار لابی‌یوود در آمریکا و تحرک موساد و نتانیاهو از طریق تهدید به افشاکاری پیرامون پرونده ایستین و موارد مشابه باشد، ولی این مدعا هم با اینکه بهره‌ای از حقیقت دارد، ناقص نقد معرفت‌شناسانه و فلسفی تصمیم رئیس‌جمهور ایالات متحده در راه انداختن این جنگ نیست. فشارها و تحریکات بیرونی، نه تنها ناقص اراده معطوف به غریزه ترامپ نیستند، بلکه مؤید آن نیز هستند؛ چراکه اتفاقاً زمانی عقلانی‌صالتش را از دست می‌دهد که خودبسندگی و خودکفایی‌اش زایل شده و وابسته به قوای بیرونی و مسادون مانند امپال

### هدیان می‌گویم؛ پس هستم!

اخیراً جریمی بوئن سردبیر بین‌الملل بخش جهانی بی‌بی‌سی در یادداشتی به موضوع جنگ اخیر قهرانی از متن، به پیروی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از غرایز شخصی‌اش به جای متون و مشاوره‌های راهبردی اشاره کرد. بوئن نوشت: «او از غرایز درونی خود پیروی می‌کند، نه از اسناد اطلاعاتی و توصیه‌های استراتژیکی که سایر رؤسای جمهوری پیش از او خوانده‌اند. ترامپ سیزده روز پس از جنگ، در پاسخ به این پرسش سرورسین زادیویی فاکس نیز که «جنگ چه زمانی پایان خواهد یافت؟» گفت: «فکر نمی‌کنم جنگ طولانی باشد. در مورد پایان آن، وقتش را با تمام وجود حس می‌کنم!»

بوئن همچنین در ادامه با انتقاد از این رویکرد و سرایت آن به مدیران اطراف ترامپ نوشت: «او به حلقه‌ای از مشاوران داخلی خود متکی است که برای حمایت از تصمیمات او تحقیق آنها در شغل خود هستند. به نظرم می‌رسد که گفتن حقیقت بود که صاحبان قدرت، در شرح وظایف آنها نیست. تکیه بر غرایز رئیس‌جمهوری به جای مجموعه‌ای از برنامه‌های آژموه و سنجیده شده، جنگیدن را دشوارتر می‌کند.»

پیش از تصمیم این جدال، بهتر است این مقدمه را متذکر شد که اغراق ترامپ نوشت: «او به حلقه‌ای از مشاوران داخلی خود متکی است که برای حمایت از تصمیمات او تحقیق آنها در شغل خود هستند. به نظرم می‌رسد که گفتن حقیقت بود که صاحبان قدرت، در شرح وظایف آنها نیست. تکیه بر غرایز رئیس‌جمهوری به جای مجموعه‌ای از برنامه‌های آژموه و سنجیده شده، جنگیدن را دشوارتر می‌کند.» نخستین موقف فلسفی پیرامون این جنگ، تأمل در بنیادهای معرفت‌شناسانه آن است: جدال میان هوش غریزی انسان غربی با خرد تاریخی ایرانی.